

خوابگزاری در ایران[†]

در تحقیق حاضر دربارهٔ تعبیر رؤیا نزد ایرانیان، جنبهٔ عرفانی و باطنی و نیز جنبهٔ عاسیانهٔ خوابگزاری در ایران بررسی می‌شود. صورت ساختگی چنین تفکیکی بر ما پوشیده نیست و مناسبات متقابل آندو جنبهٔ کم و بیش مصنوع این تفکیک را بیشتر آشکار می‌کند. بهر حال، ما ناگزیر از این بوده‌ایم که برای به‌چنگ آوردن مایه و جوهر سیال و فراری که در اینگونه موضوعها هست، چاره‌ای بیندیشیم و راهی بیابیم. از این رو، چنین به نظر رسید که برابر نهادن نظرات و بینش فرقه‌ای عرفانی چون «اهل حق»، که امور غیب را واجد واقعیتی محسوس و آشکار می‌دانند، با مفاهیم منعکس در فرهنگ عامه‌ای سرشار از شعر و افسانه اما بهره‌مند از نوعی واقع‌بینی روستایی و واجد صیغهٔ بدبینی که صفت میزبان تفکری ظریف و غالباً طنزآمیز است، بی‌فایده نخواهد بود.

نخستین مشکلی که پیش می‌آید اینست که بدون در نظر داشتن جنبهٔ فردی و نیز متمایز رؤیا بر حسب مناطق و ادوار مختلف چگونه می‌توان به‌وصف وضع و حالت روانی و نفسانیات در این زمینه پرداخت؟ ناگزیر باید نخست طرح بعضی خطوط اساسی و مشخصات کلی این حالت را ریخت و سپس به استناد متون، آداب و رسوم، و تعبیرهای مربوط به رؤیا را ذکر کرد.

با مطالعهٔ تعبیرهای رؤیا چنین به نظر می‌رسد که این تعابیر چندان خصیصهٔ قدسی و ملکوتی (numineux) ندارند. مردم عامی به پیشگوییهای رویایی بی‌اعتقاد نیستند، اما آشکارا مایلند که آن را به وجهی مطلوب تعبیر کنند. معهداً، چاشنی و مایه‌ای مذهبی به تعبیر رؤیا افزوده شده است. جاودانگی روح، که ذکر آن در قرآن می‌رود («از تو دربارهٔ روح می‌پرسند، بگوای محمد که روح از آن جهان و به امر پروردگار من آمده است.») در ذهن عوام غالباً اینگونه تعبیر و تفسیر می‌شود که روح در گردش است و در آن جهان مردگان را می‌بیند و رؤیا نشانه‌ها و علامات است که آنان برای ما می‌فرستند.

† از مجموعهٔ منابع شرقی (شمارهٔ ۲)، مجموعهٔ مقالات مربوط به خوابها و گزارش آنها،

علاوه بر این، احادیث نبوی و روایات رؤیاهایی که به عرفا و قدیسن نسبت داده شده به رؤیاهای عادی اعتباری می‌بخشند و ارزش آنها را بالا می‌برند. ولی، این امر، با وجود این شعر حافظ: دیدم به خواب خوش که به دستم پیاله بود - تعبیر رفت و کار به دولت حواله بود، بیش از آنکه از مختصات فرهنگ باشد به رسم و سنت [عایانه] وابسته است.

بطور کلی، در سطح فرهنگ عامه حالتی دوگانه در مورد رؤیا تشخیص می‌توان داد: از طرفی، اعتقادی عمیق به عالم غیب، و از طرف دیگر، چاشنی و نیشی از نقد یا حالتی انتقادی - که شاید این مورد یکی از خصوصیات روانشناسی و نفسانیات متمایز ایرانی نباشد.

تعیین و تشخیص مناسبات سنت ایرانی و سنت عربی خوابگزاری دشوار است، زیرا هر دو متقابلاً در یکدیگر تأثیر داشته‌اند. اکثر ایرانیانی که این مسئله را مطالعه کرده‌اند معتقدند که خوابنامه‌های قدیمی عرب غالباً افسانه‌ها و آداب و رسوم ایرانی را همراه با افسانه‌ها و آداب و رسوم اقوام دیگر منعکس می‌سازند. بدین معنی که نویسندگان عرب جمله‌ی آنها را ترجمه کرده و به هم آمیخته‌اند.

تعبیر رؤیا

به زبان پارسی تأویل‌کننده را خوابگزار (برابر یا معبر عربی) می‌نامند. خوابگزاران معبران حرفه‌ای نیستند، بلکه عادت بر این جاری است که به سالخورده‌ترین کسان خانواده یا افرادی مراجعه شود که آنان را در این معارف از همه آزموده‌تر می‌پندارند. این اشخاص معمولاً پیرزنان بیوه‌اند که دیگران آنها را به سبب پارساییشان محترم و معزز می‌دارند و حافظان سنن منقول و شفاهی می‌دانند. زن یا مرد خوابگزار کسی است که همیشه به عقل سلیم و فهم مستقیم خویش متکی است و انتظار همگان از خوابگزار اینست که توضیحات او حتی درباره خوابهای «بد» خوابگو را افسرده و نوبید نکند. هرگاه تعبیر خوابی، به موجب خوابنامه‌های معمولی، نامطلوب باشد، خوابگزار با استفاده مطلوب از یکی از جزئیات روایت خوابگو می‌کوشد تا جنبه شوم خواب را تعدیل و خوابگو را آرام و خوشدل کند. ^۱ وانگهی خواب بین نباید خواب خود را به هر کس بازگوید و نیز باید به دقت از تمام بدبینان بپرهیزد.

نمونه‌های تعبیری که از این پس خواهد آمد از افاضات سنت منقول ایرانی و نیز از کتاب

۱. معبر باید که عالم و عاقل و پرهیزگار و راستگو باشد و افشای سرکسی نکند و پیوسته از حق تعالی هدایت و معاونت طلبد تا به تعبیر خواب آنچه از اسرار غیب خبر دهد بر منبج حق و راه صواب باشد، و چون بیننده خواب حال رؤیا نزد معبر عرض کند، معبر را باید که فی الفور این کلمات بر زبان آرد: خیر لنا و شر لاعدائنا. «مطلع العلوم و مجمع الفنون».

مطلع العلوم و مجمع الفنون ، تألیف واجدعلی ، است که به سال ۱۸۴۸ در آگره هند انتشار یافته است . این کتاب ، چنانکه از عنوانش پیداست ، تألیفی است جنگ مانند که دفتر نخستین آن از علوم و تاریخ و حکمت و فقه و غیره سخن می‌دارد و دفتر دوم آن مربوط به پیشه‌ها و اصناف و صنایع و موضوعات گوناگون است . مبحث تعبیر خواب در آغاز دفتر دوم آن (ص ۳۹۲-۴۰۴) آمده است . این کتاب ۶۴ صفحه‌ای نمونه تمام عیار دایرة المعارف هابیسست که جزء سنت ادبی ایران بشماراند . نمونه دیگر آن نفایس الفنون است که بسان مطلع العلوم از مطالب گوناگون سخن می‌راند .

شرایط خواب

رؤیا سه حالت دارد :

۱. « چون نفس در حالت خواب از فعل خود بازماند و حواس خمسۀ ظاهر از ادراک محسوسات معطل شوند ، قوه‌استخيله لوح مشترک را از صور محسوسات مدرکۀ حواس خمسۀ معطل یافته ، اشباح و صور و محسوسات را که درخزانۀ خیال متمکن است در لوح حس مشترک منقش گرداند . پس نائم به حالت نوم چیزها ملاحظه نماید . »^۱
 ۲. ممکن است هنگام خواب « در سراج روح تغییری راه یابد و به علت آن چیزهایی که مناسب و موافق آن باشد ملاحظه کند . مثلاً ، اگر حرارت در سراج غالب شود آتش در خواب بیند و اگر برودت غالب شود برف و سرما ، و اگر رطوبت مستولی شود باران و سیل و دریا ، و اگر یبوست غالب شود گرد و غبار و کوه و سنگ و امثال آن ملاحظه کند . »
 ۳. « نفس به واسطه معطل بودن حواس خمسۀ ظاهر از ادراک محسوسات ، متوجه به عالم روحانی شود و به چیزهایی از غیبات مطلع گردد و همچنان به وقوع درآید . »
- حکما خوابهای نوع اول را خوابهای محتاج به تعبیر می‌نامند . برای این کار خوابگزار باید که مردی حکیم و قادر به گفتن تعبیری درست باشد و درستی این تعبیر بسته به میزان هوش و دریافت و خردمندی اوست . اینگونه خوابها رؤیای معمولی همگان است .^۲

۱. مترجم هر جا که در متن قطعه‌یی منقول از کتابهای فارسی وجود داشته است به جای ترجمه عین آن قطعه را از کتاب اصلی نقل کرده است . نسخه مورد استفاده مترجم از مطلع العلوم غیر از نسخه‌ای است که نویسنده در این مقاله از آن یاد می‌کند . نسخه مورد استفاده ما در اکتبر در سال ۱۹۰۲ چاپ شده است .

۲. « حکما قسم اول را رؤیای معبره گویند . یعنی آنچه که در خواب دیده همچنان به وقوع می‌آید ، بلکه بالعکس آن مرد حکیم و خردمند تعبیر آن نماید و آن تعبیر درست و صحیح آید و این قسم رؤیای عموم خلایق باشد . » (حاشیۀ مترجم ، از همان کتاب) .

خوابهای نوع دوم (خوابهای جسمانی) هیچگونه ارزش روحانی ندارند.^۱ خوابهای نوع سوم با ارزشتر از همه‌اند و آنها را خوابهای صادق می‌نامند.^۲ «نفس کسانیکه به آلائشات دنیا کمتر ملوث باشد به دیدن رویای صادق فائز شود و از شرایط صحت رؤیا [دیدن رؤیای صادق] آنست که مزاج بیننده مقرون به اعتدال باشد، [چه] گاه باشد که بنده در حالت رنج و اضطراب و تعب و صعوبت متوجه عالم علوی شود و مستدعی فیض و رحمت از مبداء فیاض گردد و در خواب چیزی بیند که واصل المرام باشد.» و دیگر آنکه «هرگاه چیزی در خواب بیند و به تعبیر آن فروماند که آن واقعه را بایکی از دوستان خود، که زیرک و خردمند باشد، در میان نهد تا او تعبیر نیک کند، اثر نیک می‌بخشد.»

«در روایت است که زنی به حضرت رسول، صلی الله علیه و آله و سلم، آمد و عرض کرد یا رسول الله! در خواب دیدم که دختری از بطن من به وجود آمده و ستون خانه‌ام شکسته. رسول علیه السلام فرمود، ترا پسری شود و شوهرت از سفر باز آید و همچنین به وقوع رسید. بار دیگر آن زن همان خواب دید و آمد تا از رسول علیه السلام تعبیر دریافت کند. آن حضرت را در خانه نیافت. حال آن خواب با یکی از مستورات حرم آن حضرت در میان نهاد. او تعبیر کرد که تو را دختری به وجود آید و شوهرت بمیرد. بعد از آن رسول علیه السلام به حجره آمد و آن زن حال واقعه به عرض درآورد. آن حضرت پرسید که تعبیر این خواب از دیگری پرسیده‌ای؟ گفت بلی، یا رسول الله. آن حضرت فرمود که تعبیر همان است.»

شرایط لازم برای دیدن رویای صادق

بطور کلی، به موجب سنت و اخبار، برای آنکه خفته خوابی صادق بیند باید مردی درستکار باشد، گناه بزرگی مرتکب نشده باشد، و در گزاردن نماز غفلت نکرده باشد. باید پیش از خفتن وضو کند و طهارت بجای آورد و رختخواب و جامه‌هایش پاک باشد و با احساس کینه‌ای در قبال هیچکس، و حتی دشمنانش، به خواب نرود و نیز باید بسیار نخورده باشد و چندین بار نام خدای را بر زبان آورد و برای گناهانش ازو طلب بخشایش کند.

اعتقاد بر این است که خواب صبحگاهان معتبرتر از خواب شبهنگام است^۳ و «بعضی محققان نوشته‌اند که هر خوابی که به حساب ماه قمری بدین ده تاریخ یعنی ششم و هفتم و

۱. «وقسم دوم را هیچ اعتباری نکرده‌اند.» (همان کتاب). - م.

۲. «وقسم سوم نزد جمهور حکما معتبرترست و این قسم را رؤیای صادق گویند.» - م.

۳. «خوابی که در روز ببیند یا قریب ظهور صبح اثر آن زودتر به وقوع آید.» - م.

هشتم و نهم و پانزدهم و هیجدهم و نوزدهم و بیست و دوم و بیست و هفتم ببینند صحیح و صادق باشد و تعبیر آن درست آید؛ و اگر در این ده تاریخ یعنی غره و سیزدهم و چهاردهم و بیستم و بیست و یکم و بیست و پنجم و بیست و ششم و بیست و هشتم و بیست و نهم و سیام ببینند صادق نباشد و تعبیر آن درست نیاید؛ و درین شش تاریخ یعنی چهارم و پنجم و یازدهم و دوازدهم و شانزدهم و هفدهم هر خوابی که ببینند تعبیر آن بعد از دوماه یا دوسال به ظهور آید؛ و درین چهار یعنی دوم و سوم و بیست و سوم و بیست و چهارم هر چه که ببینند تعبیر آن بالعکس باشد.»

سوره‌هایی که باید خواند

در رساله‌ای به زبان فارسی در آغاز چاپ سنگی قرآن، به سال ۱۳۵۵ هجری در قم، درباره شرایط تاریخ و تعبیر خواب چنین آمده است:

«از ائمه اطهار منقول است که هر کس خوابی دید، نخست باید بداند در چه روزی از ماه قمری خواب دیده، سپس در قرآن سوره و آیه مطابق با آن روز را بیاید (دهمین و پانزدهمین سوره برای دهمین و پانزدهمین روز، و غیره) چه تعبیر خواب او در همانجاست. اگر خواب در در نخستین شب ماه قمری واقع شود، نخستین سوره قرآن فاتحه و نخستین آیه بسم الله الرحمن الرحیم است و این بدین معنی است که ببیننده خواب، نامه یا حکمی از شخصی بزرگ دریافت خواهد کرد و بدان مناسبت خوشحال خواهد شد. برخی از معبران برآنند که نخستین آیه الحمد لله رب العالمین است که پس از بسم الله می‌آید، و این بدین معنی است که ببیننده خواب نعمتی خواهد یافت که بدان سبب باید خدا را شکر گوید.

«سوره دوم قرآن (البقره) برای خوابیست که در دومین شب ماه قمری دیده شود. به عقیده مفسران مختلف معنای حروف «الم» که در آغاز سوره آمده اینست که ببیننده خواب از چیزی که تا آن زمان نمی‌دانست وقوف خواهد یافت و اگر چنین تصور شود که این حروف رابه حساب نباید آورد، و آیه دوم اینست: ذلک الکتاب لاریب فیہ، ببیننده خواب نامه یا حکمی دریافت خواهد کرد که موجب خوشحالی او خواهد بود.»

۱. «از ائمه معصومین، صلوات الله علیهم، منقولست که هر کس خوابی ببیند و تعبیر آن را بخواهد بداند، ببیند از ماه چند شب گذشته است. به عوض هر شب یک سوره از سوره‌های قرآن شماره کند و بعد از آن در آن سوره نیز به عدد هر شبی که گذشته یک آیه بشمارد. در آیه آخر تعبیر خواب او خواهد بود. مثلاً، اگر از ماه ده روز گذشته باشد ده روز گذشته باشد ده سوره از اول قرآن بشمارد، سوره دهم آیه دهم همان سوره تعبیر خواب او خواهد بود.

اگر در شب اول دیده، سوره اول قرآن فاتحه الکتاب است و آیه اول بسم الله الرحمن الرحیم بقیة پاورقی در صفحه بعد

تعبیر خواب به موجب مطلع العلوم و مجمع الفنون

«در تعبیر دیدن تجلی نورالاهی و روحانیات و انبیاء و اولیا و ملوک و سلاطین و جنات و شیاطین و قیامت و حساب و کتاب و بهشت و دوزخ و مانند آن :

«اگر به خواب ببیند که نورحق ، جل و علا ، بروی تجلی کرده کار او در دین و دنیا نیکو شود و در آن موضع که این خواب دیده باشد عدل و انصاف و فراخی نعمت پدید آید .

«اگر ببیند که حق تعالی او را حساب می کند ، شادمانی به او رسد و اگر مسافر باشد به سلامت و خوشحالی به خانه باز آید .

«و اگر ببیند که به حضرت الاهی مناجات و دعایی کند ، نام او در دین و دنیا بلند شود و مقرب درگاه ملوک و سلاطین گردد .

«و اگر ببیند که حق تعالی برو غضبناک شده ، باید که عذر و توبه به درگاه الاهی کند .

«اگر از فرشتگان مقرب مثل جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل را در شادی و

شادمانی و امن و نیکویی ببیند در دین و دنیا شرف و منزلت یابد و ابواب علم و حکمت به روی او گشاده شود و از آفات ایمن باشد و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر در ترسی و غمی بود از آن نجات حاصل شود .

«و اگر ببیند که با یکی از ایشان خصوصت می کند ، خصوصاً با عزرائیل یا میکائیل ، اجلش رسیده باشد . باید که از گناهان توبه کند و به درگاه الاهی رجوع آرد و حکم عاصم فرشتگان برین قیاس باشد .

«اگر ببیند که با فرشتگان در پرواز است به دنیا شرف و کرامت یابد و عاقبت شهادت او را نصیب شود .

«و اگر ببیند که در شهری یا دهی فرشتگان بسیار جمع شده اند ، عالمی یا عابدی در آنجا وفات یابد و یا کسی را به ظلم و تعدی هلاک کنند .

بقیه پاورقی از صفحه قبل

است . این آیه اشاره است بر کسی که در شب اول ماه واقعه بینی دیده باشد . از معنی آن چنین مستفاد می شود که مکتوبی یا حکمی از بزرگی برای او برسد که سبب خوشحالی او بوده باشد . و بنا بر قول جمعی که آیه اول را الحمد لله رب العالمین می دانند ، از معنی آن چنین مستفاد می شود که یک نعمتی که قبل از آن نبوده به او برسد و آن کس شکران نعمت را بگوید . و اگر در شب دوم ماه دیده شود ، سوره بقره است . بنا بر اختلاف مفسرین از معنی این حروف الم و به قولی آیه دوم نیز ذلک الکتاب لاریب فیه هدی للمتقین ، ازالم چنین مستفاد می شود که خواب بیننده بر امری مطلع شود که در خاطر نگذاشته باشد و از ذلک الکتاب چنان می شود که حکمی یا مکتوبی به او برسد که سبب خوشحالی و منزلت و جاه او باشد . « قرآن مجید ، با تصحیح هفت نفر از علمای حوزه علمیه قم ، چاپ افست ، تهران ، ۱۳۳۷ خورشیدی ، ص ۵۶-۵۵ - م .

«اگر ببیند که فرشتگان از هر جانب در سرای او سی‌آیند، خانه را از دزدان نگاه باید داشت .

«واگر انبیاء اولیاء وائمه را در خواب ببیند ، تعبیر او ، مجمل ، آنست که اگر او را حالت نیکو و باشکل و جمال پسندیده بیند دلالت کند بر نیکویی حال بیننده و یافتن شرف و جاه .
و اگر به ترشروی و خشمناکی بیند تعبیر برخلاف آن باشد . و نیز معلوم باید کرد که حال آن نبی و ولی و امام در ایام حیات او چگونه بوده ، او را نیز همان رنج رسد و عاقبت کار او نیکو شود و بر خصمان ظفر یابد . اگر محمد مصطفی ، صلوة الله علیه وآله و صلّم ، را به خواب ببیند در لباس نیکو و جمال خوب و خوشحالی ، اگر رنجی داشته باشد از آن رنج خلاص یابد و اگر درویش باشد توانگر گردد و حج گذارد و اگر متغیرون و دل‌تنگ و رنجور بیند ، در آن ولایت در دین و شریعت ضعفی پدید آید و دیدن آن حضرت ، فی الجمله ، دلیل رحمت و راحت بود ، خواه به زودی باشد خواه به درنگ ، آن راحت حاصل شود .

«واگر به خواب ببیند که پادشاهی در محلی یا سرایی می‌آید در آن موضع زیان و آفتی نازل شود و در جایی که آمدن او غریب نباشد اگر به خواب ببیند ، دلیل نعمت و دولت باشد .

«اگر پادشاه مرده را زنده ببیند ، رسم و آیین آن پادشاه مرده در ملک جاری شود .
«اگر ببیند که با پادشاه بر سر خوان نشسته چیزی می‌خورد و خوان در پیش او باشد که چشم از خواب بیدار شود ، دلیل درازی عمر او بود .

«واگر خود را با پادشاه ببیند و او لایق پادشاهی نباشد ، اگر بیمار بود اجلس نزدیک رسیده باشد و اگر بیمار نبود از خویش و پیوند جدا شود و اگر خود را با پادشاه ببیند ، از بند آزادی یابد .

«اگر پیری را در خواب ببیند ، تعبیر آن مثل دیدن فرشتگان است ، که به صدر مذکور شد .
«اگر دشمن را در خواب ببیند ، مکروهی برسد .

«اگر ببیند که شیطان او را بفریقت ، از مال یا ولایت جدا ماند . اگر کسی ببیند که به شیطان قهر کرد ، بر دشمن ظفر یابد .

«اگر کسی ببیند که او در بهشت است و میوه‌های بهشت می‌خورد ، عالم با عمل شود و به دنیا و آخرت محترم گردد .

« و اگر خود را به دوزخ ببیند ، اگر متدین باشد ، از جمله معاصی باز ایستد ، و اگر از متصرفان دنیا بود سفر کند .

«واگر ببیند که از دوزخ بیرون می‌آید ، دلیل دینداری و پرهیزکاری بود یا از سفر معاودت کند ، و اگر ببیند که به دوزخ گرفتار رنج و بلاست ، آن رنج و مشقت دنیا بود .

«اگر قیامت در خواب بیند، دلیل است بر عدالت پادشاه آن ولایت، اگر بیند که او را به غیر تشدد و مناقشه به مؤاخذه محاسبه گرفته‌اند، دلیل یافتن مقصود بود در دین و دنیا و اگر بیند که در محاسبه او را تشدد می‌کنند، دلیل توقف حصول مراد باشد.»

ازین نمونه‌ها — که ذکر بیشتر آنها، چنانکه آوردن مثالهای هر خواننامه، موجب ملال خواهد گشت — پیداست که تا چه اندازه تعبیر خواب غالباً بر اصول دریافت و فهم مستقیم و عقل سلیم و یا شباهت مبتنی است.

مثال زیر یک نمونه جالب توجه دیگر از تعبیر را به دست می‌دهد:

خواب سلطان قونیه

سلطان علاءالدین قونیوی خوابی دید که آن را برای بهاءالدین ولد، پدر عارف بزرگ جلال‌الدین رومی، نقل کرد: «... سلطان اسلام [سلطان علاءالدین کیقباد] خوابی عجیب دیده متعجب برخاست، و صورت خواب را به حضرت بهاء ولد و شیخ عرضه داشت و گفت: در خواب می‌بینم که سرم از زر شده است و سینه‌ام نقره‌خام گشته و از ناف زیرتر بکلی روئین شده است و هر دو رانم از صلب است و هر دو پایم از ریز گشته. تمامت معبران معتبر از عظمت تعبیر این خواب فروماندند. همانا که شیخ شهاب‌الدین [سهروردی] تعبیر خواب را به حضرت حواله کرده هیچ نگفت. سلطان‌العلماء فرمود که چندانکه تو در عالم باشی، در زمان تو عالمیان آسوده و خالص و باقیمت چون زر باشند. و بعد از انتقال تو زمان فرزندت به منزلت نقره باشد نسبت به زمان تو. بعد از آن فرزند فرزندت به مرتبه روئین باشد و خلق دون‌همت و فزون‌نهمت سرور شوند. و چون سلطنت مملکت به بطن سوم رسد، جهان درهم شود و میان خلق صفا و وفا و شفقت نماند و چون نوبت سلطنت به بطن چهارم و پنجم رسد، ممالک روم بکلی خراب و بیاب شود و جمیع دسایر و بلاد را اهل فساد پلید فروگیرد و زوال آل سلجوقیان باشد و اصلاً نظام جهان نماند و کوچکان بی‌اصل بزرگ شوند و اشغال خطیره دست دونان حقیر افتد... و از هر جایی خواجه خروج کنند و استیلائی فعل مملکت عالم را خراب کند و علمای دین و شیوخ باتمکین را آثار نماند و برکات از روی زمین مرتفع شود و خلائق مسکین قیامت کبری را به چراغها جویند... تغییر حال همچنان شد که تعبیر کرده بودند و بیان فرموده.» افلاکی، مناقب العارفين، چاپ ترکیه، آنقره، ۱۹۰۹، جلد اول، ص ۴۵-۴۶.

تمثیل معدنیاتی که در خواب دیده شوند

تعبیرهای مطلع‌العلوم از اینگونه تصاویر در خواب، ملاحظاتی چند پیش می‌آورد. در این مورد نیز فکر تعبیر بر اصل شباهت مبتنی است، اما در آنچه به نظر ناقص می‌آید اصلاحاتی

شده است: مثلاً، طلا (که فقط از لحاظ توانگری، و نه از جهت کیمیاگری، مورد نظر قرار گرفته است) موجب گناهکاری و نفاق نیز تواند بود. ازینرو، در مطلع العلوم بدینگونه تعبیر شده است: «دیدن زر دلیل است بر حاصل شدن غم و الم. اگر بیند زر سی ریزد، دلیل آفت و هلاکت بود، و اگر بیند که زر به امانت به کسی می‌دهد، آن کس به او خیانت کند.»

همچنین دیدن گنج در خواب دلیل علم و منفعت می‌تواند باشد. ولی به قول صاحب مطلع، «بعضی معبران به غم و اندوه و مرگ استدلال کرده‌اند.»

نقره (شاید به علت سپیدی آن؟) «دلیل بر مال حلال باشد.»

«دیدن یاقوت دلیل است بر عیش و عشرت، به وجود آمدن فرزند شایسته، و به دست آمدن زن با جمال. و لعل نیز همین تعبیر دارد. زرد و زبرجد مردی شجاع و مهذب و دیندار بود و مال حلال نیز باشد. سرجان دلیل است بر مال بسیار و فیروزه دلیلیست بر فتح و نصرت و درازی عمر و عقیق دلیلیست بر عزت و نعمت.»

«دیدن آهن دلیل باشد بر حصول مال و قوت. اگر بیند که از آهن یا نقره انگشتری در دست دارد، به قدر حال خود بزرگی و عزت یابد یا زنی توانگر به نکاح درآید یا فرزندی شایسته پیدا شود.»

می‌دانیم که تمثیل مروارید در غالب فلسفه‌های الهی و در مسیحیت و عرفان نقش قابل ملاحظه‌ای دارد. میرستا الیاد Mircea Eliade در کتاب خود، به نام *Images et Symboles* (خاصه از صفحه ۱۹۰ به بعد)، در فصلی که به مروارید اختصاص داده، سنتی را یاد می‌کند که دارای منشأ شرقی است و به موجب آن پیدایش مروارید نتیجه دخول آذرخش در صدف تصور شده است: براین اساس مروارید ثمره آمیزش آتش با آب است. این اسطوره قدیمی برای نشان دادن تولد روحانی به کار رفته و مروارید، به معنای رمزی، «صورت مادی سرروحانی و سلکوتی گرفته شده است. مروارید در تمثیلات گوناگون معانی مختلفی می‌یابد که از ساده‌ترین تا پیچیده‌ترین مفاهیم را در بر دارد.»

در شعر پارسی نیز مروارید به صورت قطره بارانی که در دریا فرو می‌چکد و صدف آن را در خود جای می‌دهد، توصیف شده است. بنابراین، تصویر کهن (archétypale) مروارید یادآور چیزی است پاک، گرانقدر، پنهان، فرورفته، و پوشیده در اعماق و دشواریاب. همین معانی و مفاهیم را در مطلع العلوم نیز می‌توان یافت، چه در واقع به عقیده مؤلف آن، مروارید «قرآن و علم و فرزند بود. اگر بیند که مروارید را سوراخ می‌کند، تفسیر قرآن به صواب کند و اگر بیند

۱. رجوع کنید به مقاله محمد مکرری به نام:

«Le symbole de la perle dans le folklore persan et chez Kurdes Fidèles de Vérité (AHL - E - HAQQ)», *Journal Asiatique*, 196.

که سروراید می‌فروشد ازو ثمره علم به مردم رسد.»

تمثیل جانورانی که در خواب ظاهر می‌شوند^۱

غناى جهان جانوران در ادبیات پارسی، که داستانسرایان بنامی در این قلمرو دارد، بر همه آشکار است. نویسندگان مجموعه‌های تعبیر خواب نیز بخش بزرگی به تعبیر تصاویر حیوانات اختصاص داده‌اند. در تعبیر جانوران هم خصایص ظاهری و جسمی و هم نقش شاعرانه و افسانه‌ای آنان به‌سبب اساطیر ایرانی، منظورگشته است. در واقع جنبه تمثیلی جانوران در اساطیر ایرانی را در متون مربوط به تفسیر و تأویل خواب کم و بیش آشکارا باز می‌توان یافت. به‌عنوان مثال، تعبیر تصویر کبک در خواب نمونه تعبیری است که بر اساس مشخصات منحصرأ جسمی مبتنی است، چه معنای کبک به عقیده صاحب مطلع‌العلوم، «زن نیکو و باعصمت اما ناموافق بود». مبنای دیگر این فکر طرز خرابیدن کبک است که رفتار زنی رعنا و پرنخوت را بدان تشبیه می‌کنند.

«باز و عقاب و شاهین و کرکس و چرخ پادشاه قوی و پرقوت بود. اگر از ایشان گزندی بیند از پادشاه رنج برسد و اگر راحتی بیند از پادشاه راحت یابد.»

مضمون عقاب را در ادبیات پارسی و اساطیر ایرانی اهمیتی خاص است. از قدیمترین ایام باستانی تا کنون تصویر عقاب را در کتیبه‌ها و پروری ظروف و کوزه‌های سفالین و درفشهای سپاههای ایران در ادوار مختلف باز می‌توان یافت. از لحاظ عرفان، عقاب غالباً رمز و کنایه الهی است. ازینرو، کاملاً طبیعی است که در قلمرو خواب تمثیل و دلیل سلطنت باشد (مطلع‌العلوم).

در مطلع‌العلوم بوم به معنای دزد باشوکت است. این پرنده در فرهنگ عامیانه ایرانی مرغی است شوم و مصیبت‌انگیز. می‌گویند هر کاخ و خانه و کاشانه‌ای که او در آن آشیانه کند ویران می‌شود. بانگ جغد را شوم می‌دانند و او را وارث خرابه‌ها و حاکم ویرانه‌ها می‌پندارند. در یکی از منظومه‌های نظامی جغدی دختر خود را به یکی از همجنسان خویش به زنی می‌دهد و خرابه‌ها و ویرانه‌ها را به کابین دختر می‌کند.

مرغ البته تمثیل و مظهر زنانگی و مادری است. حتی در زبان پارسی، که حروف تعریف مذکر و مؤنث ندارد، خانم مرغ از اصطلاحات مسخره آمیز یا عامیانه است و به عقیده مطلع‌العلوم تعبیر ماکیان در خواب کنیزک است.

۱. M. Mokry, *The Name of Birds in Kurdish*, Tehran, 1947.

این کتاب اطلاعات جالب توجهی در باره پرنده‌گان در فرهنگ عامی ایران به دست می‌دهد.

خصایص و مشخصات واقعی حیوانات انگیزه تعبیرهای واضح شده است: نهنگ، شیر، یوز، پلنگ، و مار نشانه‌های دشمنان قوی هستند. کژدم «دلیل بردشمن ضعیف باشد که قصد او بجز زیان مال او نداشته باشد و گزیدن کژدم دلیل بر غیبت دشمن بود.» و «دیدن فوج سلخ دلیل بر لشکر بیگانه بود.» البته این تعبیرات اصالت و جنبه بدیع ندارند.

بعکس به دو پرنده توجهی خاص مبذول باید داشت: نخست هدهد، که دلیل بر «سردی عالم و صالح» است، و دو دیگر سیمرخ که «سردی عابد و زاهد» را می‌نمایاند.

پرنده افسانه‌ای سیمرخ در گذشته‌ای دوردست در اساطیر ایرانی و اوستا پدیدار می‌شود. هموست که نگاهدار زال، پدر رستم، قهرمان نامدار حماسه ایرانی، است و این داستان در شاهنامه فردوسی به تفصیل آمده است. فریدالدین عطار (قرن ۱۲-۱۳ میلادی) این مضمون پرنده افسانه‌ای و آسمانی را که آیت و مظهر شاه و خداست در تمثیل زیبایی به نظم درآورده است. منظومه طولانی او، منطلق الطیر، کیفیت سیر عرفانی نفس را در طلب حق شرح می‌دهد. شاعر حکایت می‌کند که روزی تمام مرغان جهان گرد آمدند و مصمم شدند که برای یافتن شاهی به جست‌جو پردازند. سرانجام، پس از مشکلات بسیار، از آن جمع کثیری مرغ به سرزمین سیمرخ می‌فرستند. معنی تمثیل در اینجا به کمک یک بازی لفظی با لفظ سی‌مرغ، که جمع تعداد مرغان زایر است و عطار آن را با نام سیمرخ افسانه‌ای یکی کرده است، آشکار می‌شود:

حاجب لفظ آمد و در برگشاد	هر نفس صد پرده دیگر گشاد
جان آن مرغان ز تشویر و حیا	شد حیای محض و جان شد توتیا
کرده و ناکرده دیرینه‌شان	پاک گشت و محو گشت از سینه‌شان
آفتاب قربت از پیشان بتافت	جمله را از پرتو آن جان بتافت
هم ز عکس روی سیمرخ جهان	چهره سیمرخ دیدند از جهان
چون نگه کردند آن سی‌مرغ زود	بی‌شک این سی‌مرغ آن سیمرخ بود
در تحیر جمله سرگردان شدند	باز از نوعی دگر حیران شدند
خویش را دیدند سیمرخ تمام	بود خود سیمرخ سی‌مرغ مدام
چون سوی سیمرخ کردند نگاه	بود این سیمرخ این کین جایگاه
و ربه سوی خویش کردند نظر	بود این سیمرخ ایشان را دگر
و نظر در هر دو کردند به هم	هر دو یک سیمرخ بودی بیش و کم
بود این یک آن و آن یک بود این	در همه عالم کسی نشنود این!

۱. منطلق الطیر، به اهتمام دکتر سید صادق گوهرین، ۱۳۴۲، ص ۲۳۳ - ۲۳۴ - م.

باری راهنمای مرغان جویای سیمرغ در این سفر روحانی هدهد است که ، چنانکه در افسانه آمده ، فرستادهٔ سلیمان نزد بلقیس ملکهٔ سبا بوده است . مطلع‌العلوم در تعبیر هدهد به «سردی عالم و صالح» به همین محاسن و صفات رسولی زیرک و مورد اعتماد نظر دارد . و اما از خصیصهٔ قدسی و ملکوتی سیمرغ ، که به همان سبب به عنوان تمثیل فناء فی الله برگزیده شده ، فقط مشخصات بی‌رنگ و بوی «سرد عابد و زاهد» باقی مانده است .

بطور کلی ، تعبیر بیش از آنکه جنبه‌ای عرفانی یا افسانه‌ای (اساطیری) داشته باشد موافق با جامعه‌شناسی است . سردان ، زنان ، پدیده‌های طبیعی ، پیشه‌ها ، اشیاء همه برحسب الگوهای روانی که غالباً از تداعی معانی نشأت می‌گیرند ، تعبیر و تفسیر می‌شوند . اینست نمونه‌هایی از آن : اگر صراف را بیند شناسندهٔ کارهای نیک و بد شود . اگر آهنگری به خواب بیند باسردی غیرمعروف و باقوت ملاقی شود . و اگر قصاب ناآشنا را بیند گویا ملک‌الموت را دیده . علم دلیل است بر مردم عالم یا امام وقت یا مرد شجاع . کمند سردی باشد که در کارهای بزرگ استعانت و استمداد از او جویند . سپر دلیل است بر یار و برادر . خمر مال حرام بود . دارو خوردن پشیمانی و توبه باشد از گناه . مشک و عنبر و کافور و صندل و گلاب و زعفران و هر چیزیکه آن را بوی خوش باشد دلیل است بر ثنا و محمّدت و نام نیک و علم شریف و دین پاک و اخلاق پسندیده و مال نیک و زن باعصمت .»

قطعاً عالمی که در آن سیر می‌کنیم از دنیای عرفا ، که صوفیان ایرانی مشاهدات حیرت‌آمیز خویش را از آن نقل می‌کنند ، پاک متفاوت است . عالم خواب از لحاظ آنان دنیای واقعیت عمیقی است که به وسیلهٔ اشیاء پوشیده و مخفی است و رؤیا ، به گفتهٔ زیبایی یکی از آنان ، « نوعی ادراک محسوس اسرار است به شرط آنکه دیدهٔ دل بر روی تجلی‌مدارج وجود گشوده شود .» خوابنامهٔ مورد نظر ما فقط واقعیت حقیر روزانه را در قالب تشبیهات منجز و تصاویر واقع بینانه‌ای که با عقلی سلیم و عملی شرح و تفسیر شده‌اند و از صبغهٔ طنز نیز عاری نیست ، جای می‌دهد . با وجود این ، خوابنامهٔ مذکور فقط اطلاعات جامعه‌شناسی در دسترس ما نمی‌گذارد ، بلکه چند نمونهٔ ذکر شده از آن نشان داد که اصولی که دانسته یا ندانسته پایه و اساس و هادی تعبیر در مطلع‌العلوم قرار گرفته احیاناً از منبع شعر و افسانه و اساطیر گذشته‌ای بسیار دور دست مایه می‌گیرد .

ترجمهٔ جلال‌الدین ستاری